

# بررسی زندگینامه رییس جمهور منتخب



♦ دکتر انور خامه‌ای

ایشان:

۱- همسر و سه فرزند دارند؛ ۲- در یک خانه ۱۱۰ متری در نارمک سکونت دارند (البته مشخص نکرده‌اید که ملکی است یا اجاره‌ای!) و ۳- مالک یک پژو ۵۰۴ هستند (معلوم نکرده‌اید که راننده شخصی دارند یا خودشان رانندگی می‌کنند!)

چون این اندازه از معلومات برای ارضای حس کنجکامی من و شاید بسیاری از خوانندگان دیگر گزارش کافی نیست، لذا به جستجو پرداختم و از لابه لای روزنامه‌ها سرانجام زندگینامه نسبتاً مبسوطی از رییس جمهور منتخب محترم به دست آوردم. این زندگینامه در روزنامه 'آفتاب' شماره ۱۵۴۲ به تاریخ ۵ تیر ۸۴ صفحه ۵ به چاپ رسیده و کسی هم به آن اعتراضی نکرده است.

تمام دلایل من از نوشتن این مختصر عبارت این است که پس از خواندن این زندگینامه سوال‌هایی برای حقیر مطرح شده است که می‌خواهم با شما و خوانندگانتان در میان بگذارم تا در حل و پاسخ آنها به من کمک کنید. امیدوارم از چاپ این نامه خودداری

آقای مهندس گلیاف در دو شماره گذشته مجله گزارش (شماره ۱۶۵ و ویژه تیرماه ۸۴) به راستی سنگ تمام برای رییس جمهور منتخب محترم گذاشته و ۱۲ صفحه از اوراق گرانبهای مجله گزارش را با عکس‌های متعدد و تفصیلات به ایشان تخصیص داده بودید که شامل یک گزارش تخیلی به قلم شریف خودتان درباره دولت آینده جناب آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد می‌شد. افزون بر این در صفحه اول هم به جای اینکه طبق معمول تصویر روی جلد را چاپ کنید و توضیح دهید عکس رییس جمهور منتخب را چاپ کرده و خوانندگان را به قرابت مطالبی که مربوط به ایشان است توصیه فرموده‌اید.

جناب آقای مهندس، نگارنده این سطور هم بنا به توصیه جنابعالی تمام این چهار مقاله و گزارش را با دقت خواندم حتی آن گزارش تخیلی خودتان را. همه چیز درباره رییس جمهور محترم آینده در آنها بود جز یک مسئله که علاقه خاصی به داشتن آن داشتم یعنی زندگینامه ایشان. به عبارت دیگر می‌خواستم بدانم رییس جمهور محترم آینده کشورمان چگونه مردمی است؟ معلوماتش چقدر است؟ چه کارهایی کرده است؟ مجرد است یا متأهل؟ آیا فرزند دارد یا ندارد؟ اگر دارد چند تا هستند و پسرند یا دختر؟ دارایی ایشان چقدر است؟ درآمدش از شهرداری چه اندازه بوده است و از دانشگاه علم و صنعت چقدر؟

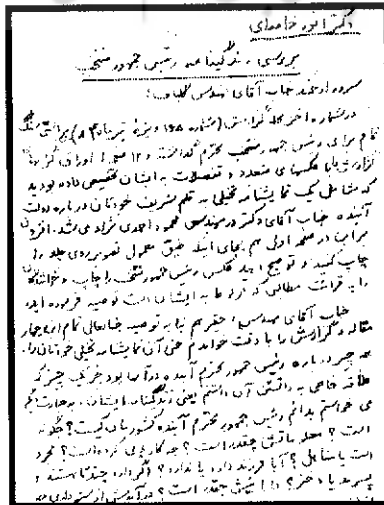
در مقابل تمام این پرسش‌ها تنها چیزی که من از مقالات و گزارش‌های شما کشف کردم این بود که

تفرمایید. ضمناً اضافه کنم که هرگونه مسوولیت احتمالی که در مورد این زندگینامه پیش بیاید متوجه حقیر نیست بلکه برعهده‌ی روزنامه آفتاب است. این روزنامه نخست به ذکر تاریخ و محل تولد و وضع خانوادگی رییس جمهور منتخب محترم می‌پردازد و سپس دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه ایشان را شرح می‌دهد که منجر به قبولی با کسب رتبه ۱۳۰ از کنکور سراسری در سال ۱۳۵۴ و شروع تحصیلات در رشته مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت در همان سال می‌شود. تا اینجا زندگی ایشان کاملاً طبیعی و مانند بسیاری از جوانان بااستعداد کشورمان بوده است.

از هفت سالگی تا نوزده سالگی یعنی در عرض ۱۲ سال دبستان، راهنمایی و دبیرستان را گذرانده در نخستین در کنکور با رتبه ممتاز موفق شده و به دانشگاه راه یافته است.

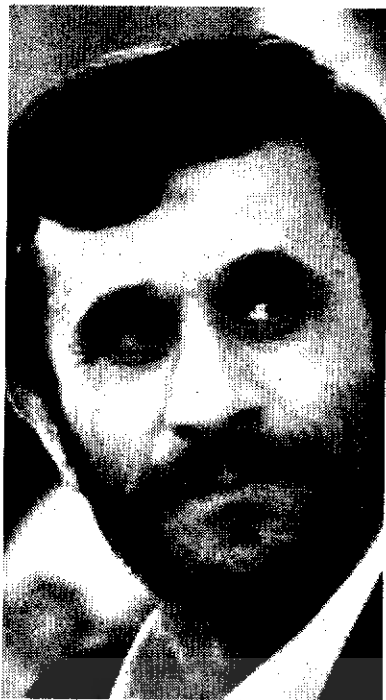
اما از اینجا به بعد دوران پرتلاطم زندگی رییس جمهور آغاز می‌شود. اگر به سیاق گذشته تحصیلات خود را دنبال کرده بود باید در عرض سه یا چهار سال یعنی حداکثر در ۱۳۵۸ دوره کارشناسی را تمام کرده و مهندس می‌شد و به کار می‌پرداخت یا تحصیلات خود را برای نیل به کارشناسی ارشد ادامه می‌داد. لیکن متأسفانه چنین نیست و او یازده سال در این مقطع از تحصیلات (شاید به دلیل انقلاب فرهنگی) در جا می‌زند و تنها در سال ۱۳۶۵ در مقطع کارشناسی ارشد همان دانشگاه پذیرفته می‌شود. اگر متأسفانه داوری کنیم او یگانه مقصر این طولانی شدن نبوده و علل دیگری در این امر دخالت داشته است. این ۱۱ سال دوران انقلاب، اعتصاب‌های مکرر، کشمکش و زد و خورد میان گروه‌های مختلف العقیده دانشجویان، غیبت بسیاری از استادان، خلاصه بی‌نظمی، ناامنی و فئالان مدیریت در دانشگاهها بوده است.

خوشبختانه از سال ۱۳۶۵ جبران مافات و دوران



بیشرفت سریع علمی و موفقیت‌های دانشگاهی آقای احمدی‌نژاد آغاز می‌شود. او دوره کارشناسی ارشد را به گونه‌ای ادامه می‌دهد که در سال ۱۳۶۸ به عضویت دو هیئت علمی در دانشگاه علم و صنعت درآمد و در سال ۱۳۷۶ نیز موفق به دریافت مدرک تحصیلی دکترای مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل ترافیک شد. وی ضمن تدریس در دانشگاه مذکور، استاد راهنمای ده‌ها پایان‌نامه معتبر و علمی کارشناسی ارشد در زمینه‌های مختلف مهندسی بوده است. تا اینجا ما مواجه با دوران کامل و منظم یک عضو هیئت علمی هستیم. هر استاد هر دانشیار، هر استادیار و هر مدرس این مراحل را به ترتیب طی کرده و زندگی شغلی او عمدتاً صرف طی این مراحل و انجام وظایف و کوشش‌های مربوط به آنها بوده است. از سد کنکور که خود مستلزم زحمت و دود چراغ خوردن فراوانی است بگذریم. کسب مدرک کارشناسی، آنهم در رشته مهندسی کاری دشوار و طاقت‌فرسا است که درس خواندن، تحقیق کردن و تجربه فنی آموختن روز و شب را می‌طلبد. پذیرش در کارشناسی ارشد و گذراندن این دوره و مدرک کارشناسی ارشد در مهندسی گرفتن یعنی یک مهندس تمام عیار شدن، کار حضرت قیل است. اگر بیست و چهار ساعت در روز جزوه‌های استادان را بیاموزی و افزون بر آن در آزمایشگاه و کارگاه به تمرین و تجربه بپردازی، باز ممکن است وقت کم بیاوری. از گذراندن دوره دکترای که دیگر چه عرض کنم. مگر نوشتن رساله دکترای کار هر کسی است؟ باید وارد کتابخانه بشوی و صدها کتاب را زیر و رو کنی تا بتوانی یک صفحه مطلب از میان آنها در بیاوری! حالا اگر این کار همراه با تدریس هم باشد و سر و کله زدن با دانشجویان و کارهای تحقیقاتی و اوراق آزمونه‌های آنها را خواندن و تصحیح کردن را به همراه داشته باشد که کاری کمرشکن است. این توضیحات را برای آن آوردم که بدانید همین اندازه از زندگی‌نامه آقای دکتر مهندس احمدی‌نژاد اگر درست باشد که هست به زحمت به ایشان اجازه فعالیت دیگری را می‌داده است.

ما در این زندگی‌نامه با آقای محمود احمدی‌نژادی رو به رو می‌شویم که در همین برهه زمانی یعنی از ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۶ علاوه بر تحصیل و تدریس در جاهای دیگری نیز بوده و کارهای دیگری هم کرده است. در این زندگی‌نامه می‌خوانیم: «وی با شروع جنگ تحمیلی به منطقه غرب شتافت و تا سال ۱۳۶۴ در فعالیت‌های پشتیبانی منطقه تلاش کرد و در سال ۱۳۶۵ داوطلبانه به تیپ ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پیوسته و با طی دوره‌ای در قرارگاه رمضان در عملیات برون مرزی کرکوک شرکت نمود و بعد از



آن نیز به عنوان مسوول مهندسی رزمی لشکر ۶ ویژه سپاه و مسوول ستاد جنگ استانهای غربی کشور به خدمت پرداخت. احمدی‌نژاد در دهه ۶۰ چهار سال به عنوان معاون و فرماندار ماکو و خوی و همچنین دو سال به عنوان مشاور استاندار کردستان خدمت به مردم استانهای آذربایجان و کردستان را نیز پشت سر گذاشته و از سال ۱۳۷۲ در شرایطی که به عنوان مشاور فرهنگی وزیر فرهنگ و آموزش عالی (وقت) فعالیت می‌کرد، به عنوان اولین استاندار استان جدیدالتاسیس اردبیل نیز منصوب شد. استانداری اردبیل در زمان مدیریت ایشان به رغم محدود بودن فصل کار عمرانی به دلیل سردسیری منطقه در سالهای ۷۴ و ۷۵ طبق رده‌بندی سازمان برنامه و بودجه در زمینه‌ی فعالیت عمرانی به عنوان استانداری برتر شناخته شد.

آقای احمدی‌نژاد در همان زمانی که در تهران در آزمون کارشناسی ارشد شرکت داشته و موفق هم شده و این دوره از تحصیلات خود را آغاز کرده است (۱۳۶۵ و بعد از آن) در جبهه‌ی غرب (کردستان و آذربایجان غربی) به تیپ ویژه پاسداران می‌پیوندد و در قرارگاه رمضان، یک دوره آموزش رزمی و نظامی را می‌گذراند و پس از فراگرفتن مهارت جنگی بزرای عملیات برون مرزی یعنی پشت جبهه دشمن به کرکوک در عراق می‌رود و این عملیات بسیار خطرناک را پیروزمانده انجام می‌دهد.

در سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ در حالی که ایشان عضو هیات علمی و مشغول تدریس در دانشگاه علم

و صنعت بوده و رساله‌های کارشناسی دانشجویان را بررسی می‌کرده است همزمان مسوولیت مهندسی رزمی لشکر ۶ ویژه‌ی سپاه و سپس ریاست ستاد جنگ در استانهای غربی کشور را برعهده داشته است!

علاوه بر آن در این سال‌های دهه‌ی ۶۰ که مشغول تحصیل و تدریس در دانشگاه علم و صنعت تهران بوده افزون بر دوره آموزش رزمی در قرارگاه رمضان و ماموریت خطرناک برون مرزی و مسوولیت‌های مهمی که در لشکر ۶ ویژه و ستاد استانهای غرب برعهده داشته چهارسال فرماندار و معاون فرماندار ماکو و خوی و دو سال مشاور استاندار کردستان نیز بوده است. یعنی در یک برهه از زمان ایشان هم کار تحصیل و تدریس هم ماموریت‌های جنگی در سپاه پاسداران و هم وظایف مهمی در وزارت کشور (فرماندار و معاون فرماندار) را انجام می‌داده است!!

این وضع در سالهای دهه‌ی ۷۰ ادامه پیدا می‌کند و آقای احمدی‌نژاد در حالی که افزون بر تدریس در دانشگاه گرفتار نگارش رساله دکترای خویش در رشته مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل ترافیک است، ناگهان از سمت مشاور استاندار کردستان به وزارت فرهنگ و علوم و آموزش عالی منتقل می‌شود و مشاور وزیر می‌شود. و این سمت را تا سال ۱۳۷۲ ادامه می‌دهد که در این سال مجدداً به وزارت کشور باز می‌گردد و استاندار اردبیل می‌شود.

با آنکه استانداری استان جدیدالتاسیس اردبیل کاری دشوار است آقای احمدی‌نژاد تا سال ۱۳۷۶ همچنان به رتق و فتق امور این استان مشغول است بدون آنکه عضویت هیات علمی دانشگاه علم و صنعت و کار تدوین رساله دکترای خود را فراموش کند. بدین سان در همه جبهه‌های فعالیت خویش یعنی دانشگاه (هم تدریس هم تحصیل)، سپاه پاسداران، وزارت کشور، و وزارت فرهنگ و علوم و آموزش عالی موفق و پیروز بیرون می‌آید. بیهوده نیست که در اردیبهشت ۱۳۸۲ شورای شهر تهران کسی را لایق‌تر از آقای دکتر مهندس محمود احمدی‌نژاد برای شهرداری تهران نمی‌یابد و دیده‌ایم که ایشان در دوران کوتاه شهرداری خود چه‌ها کرده است! بعضی از مردم تهران تاسف می‌خورند که پس از تصدی ریاست جمهوری از سوی آقای دکتر مهندس احمدی‌نژاد، وضع شهرداری چه خواهد شد و چه به سر اصلاحات او در شهر تهران خواهد آمد؟ حقیر هیچ دل واپسی ندارم و چنانچه شهرداری معرفی نشود ایشان به خوبی به هر دو کار یعنی هم ریاست جمهوری و هم شهرداری تهران را توأم و به نحو اتمم و اکمل انجام خواهد داد.